

خدا یارانش را پیدا می‌کند

علیرضا وکیل/ خداوند در سوره بقره، پس از بیان اختلاف قبیله ها و جهت های ظاهری، نگاه انسان را به حقیقتی عمیق تر متوجه می‌کند: «فاستبقوا الخیرات این ما تکنوا یاات بکم الله جمیعاً: در نیکی ها بر یکدیگر سبقت بگیرید، هرجا باشید، خدا همه شما را گرد خواهد آورد.» قرآن کریم، انسان را از درگیری در ظواهر، عبور می‌دهد و معیار اصلی را «سبقت در خیر» معرفی می‌کند؛ همان حقیقتی که در روایات اهل بیت^(ع)، به گردهم آیی یاران حضرت مهدی^(عج) در عصر ظهور نیز پیوند خورده است.

بسیاری از انسان ها، انتظار را فقط در دعا، آرزو یا سخن گفتن درباره آینده خلاصه می‌کنند، درحالی‌که قرآن، انتظار را به «حرکت» گره می‌زند. منتظر واقعی، کسی است که از امروز در میدان مسئولیت، اخلاق و خدمت فعال باشد. جامعه‌ای که در آن مردم فقط منتظر تغییر دیگران باشند، به ظهور نزدیک نمی‌شود، اما جامعه‌ای که انسان ها در آن برای نیکی از یکدیگر سبقت بگیرند، آرام آرام شبیه جامعه زمان حضور امام خواهد شد.

در تفاسیر آمده است که تعبیر «فاستبقوا الخیرات» فقط سفارش به انجام کار خوب نیست، بلکه دعوت به سرعت، جدیت و پیشگامی در خیر است. قرآن، به جای گرفتار شدن در نزاع های فرعی، انسان را به رقابت در فضیلت ها دعوت می‌کند؛ رقابتی که نتیجه آن، رشد فرد و اصلاح جامعه است.

در برخی روایات نیز این بخش از آیه، به یاران حضرت مهدی^(عج) تطبیق داده شده است؛ انسان هایی که از نقاط مختلف جهان، در زمان ظهور گردهم می‌آیند. این نگاه، آمیدی بزرگ در دل انسان ایجاد می‌کند؛ اینکه خداوند، بندگان صالح خود را می‌شناسد و در لحظه موعود، آنان را کنار یکدیگر قرار خواهد داد. مولوی چه زیبا می‌گوید:

این جهان کوه است و فعل ما نند / سوی ما آید نداها را صدا

یعنی هیچ کار خیری در این عالم کم نمی‌شود، حتی کوچک ترین قدم های انسان در مسیر خیر، در منظومه الهی، معنا و اثر دارد. گاهی یک مهربانی کوچک، رعایت حق الناس یا کمک پنهانی، انسان را به کاروان صالحان نزدیک تر می‌کند. امروز بسیاری از ما نگران آینده جهانیم؛ از ظلم، آشوب و بی عدالتی خسته ایم. اما قرآن یادآوری می‌کند که آینده نهایی عالم، متعلق به خیر و صلاح است. شرط همراهی با آن آینده روشن، این است که انسان از اکنون، سهمی در ساختن آن داشته باشد. شاید خوب باشد امروز به جای پرسیدن اینکه «ظهور چه زمانی اتفاق می‌افتد»، از خودمان بپرسیم: اگر امروز ندای یاری بلند شود، آیا من در صف کسانی هستم که برای خیر، از دیگران سبقت گرفته اند یا نه.

حکمت

برقراری اتصال با خداوند با عمل و حرکت

احمد عدالتیان ارتباط با خدا، مانند تخته پاره ای در امواج سهمگین زندگی، آرامش و معنا را به انسان هدیه می‌دهد. پیوند با خداوند، نه تنها پناهگاهی برای رهایی از ترس ها و تنهایی هاست، بلکه چراغ راهی برای شناخت هدف و الטר هستنی و یافتن مسئولیت اخلاقی در قبال خود و دیگران است. البته این ارتباط از سمت خداوند همیشه برقرار است؛ همان طور که حضرت علی^(ع) در خطبه ۱۹ نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ شَيْخَانَةٌ وَتَعَالَى لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا الْعِبَادُ مَفْتَرُونَ فِي لَيْلِهِمْ وَنَهَارِهِمْ، تَلَفٌ بِهِ خَيْرٌ وَأَخَاطٌ بِهِ عِلْمٌ. أَعْضَاؤُكُمْ شُهُودَةٌ وَجَوَارِحُكُمْ جُنُودَةٌ وَضَمَائِكُمْ غُيُوثٌ وَخُلُوتُكُمْ عَيْتَانٌ. هَمَانَا بِرِ خَدَاوْنِد سِيحَان. پنهان نیست آنچه بندگان، در شب و روز انجام می‌دهند؛ دقیقاً بر اعمال آن ها آگاه است و با علم خویش بر آن ها احاطه دارد. اعضای شما مردم، گواه او و اندام شما، سپاهیان او، و روان و جانتان، جاسوسان او و خلوت های شما، بر او آشکار است.»

اما از سمت ما نیز این ارتباط با حرکت و عمل خیر برقرار می‌شود که حضرت در خطبه ۲۲۱ می‌فرماید: «فَاعْمَلُوا وَالْعَمَلُ يُرْفَعُ وَالتَّوْبَةُ تَنْفَعُ وَاللُّعَاةُ يُنْشَعُ، وَالْعَالُ هَادِنٌ، وَالْأَقْلَامُ خَارِبَةٌ وَبَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ غَيْرَ تَأْسَأُ، أَوْ مَرَضًا خَاسَأً. أَوْ مَوْتًا خَالِيساً. فَإِنَّ الْمَوْتَ هَادِمٌ لَذَاتِكُمْ وَتَعْزُزُ شُهُوتِكُمْ وَتُبَاعِدُ طَلِبَاتِكُمْ. مردم! عمل کنید که عمل نیکو به سوی خدا بالا می‌رود و توبه سودمند است و دعا به اجابت می‌رسد و آرامش، برقرار و قلم های فرشتگان در جریان است. به سوی اعمال نیکو بشتابید، پیش از آنکه عمرتان پایان پذیرد یا بیماری، مانع شود یا تیر مرگ، شما را هدف قرار دهد. مرگ، نابودکننده لذت ها، تیره کننده خواهش های نفسانی و دورکننده اهداف شماست.»

بردار و بخوان

در جست وجوی یار: روایتی متفاوت از سفر حج

سفر حج برای هر مسلمانی، تجربه ای استثنایی است؛ سفری که در آن انسان از هیاهوی زندگی روزمره فاصله می‌گیرد و در برابر خانه ای می ایستد که قرن هاست نشانه توحید و بندگی است. بسیاری افراد این تجربه را در دل خود نگه می‌دارند. اما برخی ها آن را به کلمات می‌سیارند تا دیگران نیز در آن سهیم شوند. کتاب «یار کجاست؟»، نوشته رحیم مخدومی، از همین دست روایات هاست؛ سفرنامه ای صمیمی و تأثیرگذار از حضور یک نویسنده ایرانی در سرزمین وحی.

این کتاب که در اوایل دهه ۷۰ نوشته شده است، خاطرات سفر حج نویسنده را روایت می‌کند؛ سفری که او به همراه جمعی از اهالی قلم و هنر حوزه هنری، تجربه کرده است. مخدومی در این سفرنامه، تنها به شرح اعمال حج بسنده نمی‌کند، بلکه از احساسات، تأملات و مشاهدۀ های خود در میان جمع رنگارنگ مسلمانان جهان نیز می‌نویسد. خواننده در صفحات کتاب با او به طواف خانه خدا می‌رود، در صحرای عرفات به مناجات می‌آیستد، به کوه حرا سر می‌زند و در میان جمعیتی از فرهنگ ها و ملت های مختلف، جلوه ای از وحدت اسلامی را می‌بیند.

یکی از ویژگی های مهم «یار کجاست؟»، نثر روان و هنرمندانه آن است. نویسنده با زبانی ساده اما تصویری، صحنه هایی را پیش چشم مخاطب می‌آورد که گاه لیخنند بر لب می‌شاندن و گاه او را به تأمل وامی‌دارد. همین ویژگی ها باعث شده است که این کتاب مورد توجه رهبر شهید انقلاب نیز قرار گیرد؛ چنان که ایشان در تقریرتی بر این اثر، آن را بهترین سفرنامه های حج دانسته و از لطافت قلم، ژرف نگری و همراهی طنز در آن یاد کرده اند. نام کتاب نیز اشاره ای شاعرانه دارد؛ «کعبه یک سنگ نشان است که ره گم نشود/ حاجی! احرام دگر بند، ببین یار کجاست.»

گویی نویسنده می‌خواهد یادآوری کند که مقصد این سفر فقط رسیدن به یک مکان نیست، بلکه جست وجوی حقیقتی عمیق تر در دل انسان است. «یار کجاست؟» برای کسانی که مشتاق سفر حج اند، خواندنی تر است. اما حتی آنان که هنوز توفیق این سفر را نیافته اند، نیز می‌توانند با خواندن این کتاب، بخشی از حال و هوای معنوی آن را تجربه کنند؛ همان گونه که گفته اند: «وصف العیش، نصف العیش.» گاهی شنیدن و خواندن از یک سفر نیز می‌تواند دل را به راه بیندازد.

گزارش

سمانه رضوانی/ این روزها که کشور در شرایط جنگی است و این شرایط بر اقتصاد خانواده اثر گذار است، ما باید «اقتصاد مقاومتی» را زنده کنیم. وقتی از «اقتصاد مقاومتی» سخن می‌گوییم، غالباً ذهن ها به سوی سیاست های کلان، تحریم ها و برنامه های دولتی می‌رود. اما حقیقت آن است که این مفهوم، پیش از آنکه یک شعار ملی باشد، یک ضرورت اخلاقی و دینی است که از متن زندگی روزمره هر خانواده سرچشمه می‌گیرد. در نگاه اسلام، خانواده یک نهاد اقتصادی مسئول است. اقتصاد مقاومتی در خانواده اسلامی، نه به معنای سخت گیری خشک و محرومیت، بلکه به معنای زندگی هوشمندانه، متعادل و بابرکت است.



قناعت: بی نیازی در برابر حرص

قناعت، به عنوان رأس همه بی نیازی ها، به ما می‌آموزد که رضایت از قسمت الهی، کلید آرامش پایدار است. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «هیچ گنجی بی نیازکننده تر از قناعت نیست... آن که به مقدار کفاف بسنده کند، آسایش خود را فراهم ساخته است.» در مقابل، حرص مثل ریگی است در کفش انسان که او را خسته و نازمند نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، قناعت مرز حقیقی فقر و غنا را مشخص می‌کند و مانع از آن می‌شود که انسان در دام تجمل گرایی و رقابت های ناسالم مصرفی بیفتد. هرچند تلاش برای کسب روزی حلال پسندیده است، رقابت بر سر تشریفات و زندگی اشرافی، سرمایه انسانی و اقتصادی خانواده را تحلیل می‌برد. قانع بودن یعنی با داشته های اندک، زندگی را شکرگزارانه مدیریت کنیم.

صرفه جویی: نیمی از گنج معیشت

یکی از برجسته ترین مفاهیم در حوزه مدیریت مالی خانواده، «اقتصاد در خرج» است. پیامبر اعظم^(ص) در حدیثی می‌فرمایند: «الْاِقْتِصَادُ فِي التَّفَقُّهِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ»؛ میانه روی در مخارج، نیمی از معیشت است. این جمله، گره گشای بسیاری از مشکلات مالی خانواده هاست. گاهی انسان به اشتباه می‌پندارد که تنها با افزایش درآمد می‌توان به رفاه رسید، درحالی‌که خداوند در سایه «اقتصاد در خرج»، برکت را به سرفه انسان هدیه می‌کند. صرفه جویی هرگز به معنای قناعت به کم داشتن نیست، بلکه یعنی انسان با بهره گیری هوشمندانه از امکانات موجود، نیازهای واقعی خود را بدون زیاده روی و بدون سخت گیری بیجا تأمین کند. در نتیجه، خانواده ای که اقتصاد در خرج را جدی می‌گیرد، نیمی از راه رسیدن به آسایش و بی نیازی در آینده را رفته است.

احترام به نعمت ها، مسئولیتی که بر دوش همه ماست

نگاهی که در روایات اهل بیت^(ع) به نعمت های الهی می‌شود، نگاهی مسئولانه است. نقل شده است که حضرت امام صادق^(ع) وقتی دیدند از خانه شان میوه نیمه خورده ای بیرون انداخته شده است، ناراحت شدند و فرمودند: «إِذَا كُنْتُمْ شَيْعَتُمْ فَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَمْ يَشْعُرُوا». اگر شما سیر شده اید، بسیاری از مردم گرسنه اند، آن را به نیازمند بدهید. این برخورد تند امام^(ع) نشان می‌دهد که هدر رفت مواد غذایی در فرهنگ اسلامی مذموم است. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) نیز می‌فرمایند: «كُلُوا مَا شَقَقَ مِنَ الْخَوَانِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِّنَ كُلِّ دَاءٍ». آنچه از سفره افتاده است، بردارید و بخورید که درمان هر دردی است. این روایات نه فقط ما را به صرفه جویی دعوت می‌کنند، بلکه ارزش قائل شدن برای نعمت الهی و بهره مندی از تمام ذرات آن را به ما می‌آموزند.

مدیریت مصرف: از قناعت فردی تا شعور جمعی خانواده

ارزش هر نعمتی در گرو نحوه مصرف آن است. یکی از نکات دقیق مدیریت مصرف در روایات، پرهیز از سخت گیری افراطی است. امام صادق^(ع) خود در پاسخ به سؤال یاران، اسراف را «اتلاف مال و ضرر به بدن» دانستند و در مقابل «إِقْتَان» را به «خوردن نان و نمک درحالی‌که توان مالی داری» تعبیر کردند. این تعبیر لطیف نشان می‌دهد که اقتصاد مقاومتی هرگز به معنای محرومیت و فشار بر خانواده نیست، بلکه به معنای رعایت خط میانه است. یک خانواده موفق اقتصادی می‌آموزد که هرچه از سفره غذا بر زمین می‌افتد، جمع آوری کند. مدیریت مصرف یعنی ترویج فرهنگ «نه به اسراف» و «پرهیز از سخت گیری» تا در سایه عدالت و اعتدال، همه اعضای خانواده از حداقل آسایش برخوردار شوند.

کلیدهای طلایی سعادت در کلام امام باقر^(ع)

حفظ زبان؛ گنجینه ای ارزشمندتر از طلا و نقره
حدیث دوم امام باقر^(ع) هشدار می‌دهد که در عین حال آگاهانه درباره قدرت زبان است. این حدیث را در کتاب تحف العقول، جلد ۱، صفحه ۲۹۸ دیدم که حضرت می‌فرمایند: «إِنَّ هَذَا النَّبْلَ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ وَشَرٍّ...». امام فرمودند که زبان، کلید هر خیر و شری است. با زبان می‌توان دل ها را به هم پیوند داد و دیوارهای اعتماد را فرو ریخت، با زبان می‌توان علم آموخت و آموختن را ممنوع کرد. اما تشبیه زیبای امام^(ع) بسیار تأمل برانگیز است: «...فَيَنْتَبِهُ لِلْمَوْعِنِ أَنْ يُخَيِّمَ عَلَى لِسَانِهِ كَمَا يُخَيِّمُ عَلَى ذَهَبِهِ وَفِطْنِهِ». آیا تا به حال دقت کرده ایم که چقدر از طلا و نقره خود مراقبت می‌کنیم؟ آن ها را در گاو صندوق می‌گذاریم، از خط و خش افتاد نشان جلوگیری می‌کنیم و در برابر دزدان آن ها هادفاع می‌کنیم. اما زبان ما که ارزشی بی پایان دارد و کلید خیر و شر است، چطور محافظت می‌شود؟ امام باقر^(ع) به ما می‌آموزند که باید قبل از سخن گفتن مکث کنیم، باید مانند کسی که می‌خواهد از گران بهاترین دارایی اش محافظت کند، از زبانمان مراقبت کنیم. این محافظت به معنای سکوت مطلق نیست، بلکه به معنای «سخن گفتن بجا و در زمان درست» است. زبانی که دروغ نگوید، تهمت نزند، قضاوت نکند و از غیبت پرهیز کند، همان گنجینه طلایی است که خداوند به ما امانت داده است. این دو حدیث از امام باقر^(ع) در سالوز شهادت حضرت به ما یادآوری می‌کند که دین داری، تنها در نماز و روزه خلاصه نمی‌شود، بلکه در نحوه سخن گفتن، نیت کردن و رفتار با عزیزان متجلی است. بهتر است این دو حدیث را در برنامه روزانه خود بگنجانیم و هر شب از خود بپرسیم آیا امروز زبانی راستگوداشتم؟ آیا نیت هایم خالص بود؟ آیا با خانواده ام خوش رفتار بودم؟ چقدر زیادت به ما امانت داده است، و چگونه به دیگران بگویم هر انسان سلیمی قبل از سخن گفتن، مانند یک سرمایه گذار محتاط، فکر کند که آیا این سخن، طلا و نقره روح من را حفظ می‌کند یا آن را از بین می‌برد؟

بیباید با پیروی از کلام امام باقر^(ع)، جامعه ای بسازیم که در آن زبان را استگو، نیت ها پاک و خانه ها سرشار از مهر و برکت باشد. این همان راهی است که به آرامش حقیقی و رزق الهی منجر می‌شود. اگر به دنبال کلید سعادت هستید، کلیدهای طلایی سعادت، در همین دو کلام نهفته است.



حجت الاسلام و المسلمین سید مرتضیٰ موسوی قزوینی

فرمودند: «وَمَنْ خَسَتْ يَتْنُهُ زَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَرْزُقُهُ». بسیاری از ما فکر می‌کنیم که تلاش مادی، تنها عامل افزایش روزی است، اما امام باقر^(ع) را از افزایش رزق را در «حسن نیت» می‌دانند. نیت خالص، کلیدی است که درهای برکت را می‌گشاید. وقتی کار ما برای رضای خدا و خدمت به خلق باشد، خداوند نه تنها به اندازه تلاش ما، بلکه فراتر از انتظار، به ما روزی می‌دهد. این روزی فقط پول و ثروت نیست، بلکه سلامتی، آرامش قلبی و برکت در زمان است که از نعمت های نادیده گرفته شده زندگی است. بخش سوم این حدیث، نگاهی لطیف به خانواده دارد: «وَمَنْ خَسَتْ رُؤُ هُ بَاهِلُهُ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ»؛ خوش رفتاری با خانواده، نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه عاملی برای طول عمر است. در روان شناسی مدرن نیز ثابت شده است که محیط آرام و صمیمی خانواده، استرس را کاهش و امید به زندگی را افزایش می‌دهد. امام باقر^(ع) با این کلام، خانواده را کانون اصلی تربیت معنوی و آرامش بخش معرفی می‌کنند. پس اگر می‌خواهیم عمری طولانی و پربرکت داشته باشیم، راز آن را در لبخند بر لب و کلام نرم با همسر، فرزندان و نزدیکان جست و جو کنیم.

به مناسبت سالروز شهادت پرشرافت امام محمد باقر^(ع)، شکافته علم، فرصتی مغتنم یافت شده است تا نگاهی دوباره به گنجینه بی بدیل احادیث ایشان ببیند. امام باقر^(ع) که دریایی بی کران علم و معنویت بودند، همواره بر تزکیه نفس و اصلاح روابط اجتماعی تأکید می‌کردند. روایات زیبا از ایشان که یکی درباره «راستگویی زبان» و دیگری درباره «حفظ زبان» است، مانند دو چراغ راه، مسیر زندگی انسان را به سوی کمال و آرامش هدایت می‌کند. در این نوشتار، به بررسی این دو حدیث ارزشمند و کاربرد آن ها در زندگی روزمره می‌پردازیم.

راستگویی: ضامن پاکی و برکت

اولین روایتی که از امام باقر^(ع) در الکافی، جلد ۸، صفحه ۲۱۹ نقل شده، فرمولی سه بخشی برای رسیدن به زندگی پاک و پربرکت است: «مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَا عَمَلُهُ...». امام در این حدیث شریف، زبان را آیینۀ عمل و نیت معرفی می‌کنند. وقتی زبانی راستگو باشد، یعنی از دروغ، غیبت، تهمت و هرگونه سخن بیپوده پرهیز کند. ناخودآگاه اعمال نیز پاک می‌شود، چرا که زبان، ابلاغ کننده اراده انسان به جهان است. اگر ابلاغ کننده راستگو باشد، پشتوانه عمل نیز پاک و صادقانه خواهد بود. اما نکته شگفت انگیزتر اینجاست که امام

درنگ

